

# پژوهش نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

No. 25, Autumn & Winter 2019/2020

صفحه ۹۱-۱۱۴ (مقاله پژوهشی)

## کاربست تحلیل گفتمان در تبیین پیوستگی سوره احزاب (با محوریت تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن)

فاطمه دسترنج<sup>۱</sup>، علیرضا طبیبی<sup>۲</sup>، منصوره عرب<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۲۲ – تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۲/۲۳)

### چکیده

یکی از کارکردهای نظریه پیوستگی سوره، پاسخ به شباهات پراکنده‌نمایی و گسستگی آیات است. از آنجا که سوره احزاب به دلیل بحث‌های کلامی و دربرداشتن موضوعات متعدد، در خوانش قرآنی در برخی فرازها با شباهه عدم پیوستگی و انسجام، مواجه است؛ لذا بهره‌گیری از مطالعات زبان‌شناسی در حوزه تحلیل گفتمان و کاربست آن در اثبات پیوستگی سوره و رفع شباهه پراکنده‌نمایی گفتمان‌های مطرح شده در آن بسیار کارگشاست. از آنجا که علامه طباطبایی و سید قطب از قاتلان انسجام و بیوند معنایی آیات یک سوره هستند لذا در این پژوهش با روش تحلیلی و با کاربست تحلیل گفتمان با استناد به آرای تفسیری سید قطب و علامه طباطبایی، سوره احزاب، بررسی و این نتیجه حاصل آمد که سید قطب، بیش از علامه در صدد برقراری ارتباط آیات و فرازهای مختلف سوره با گفتمان محوری سوره است، هرچند دقت علامه در تحلیل ریزگفتمان‌ها نمود بیشتری دارد. نحوه برداش مطالب و خوانش آیات در توسط سید قطب و علامه، منطبق بر گفتمان هوشمند از نوع القایی است، در این میان آراء علامه با نظام گفتمانی هوشمند از نوع برنامه‌دار و نیز نظام گفتمانی رخدادی از نوع مشیت الهی تناسب دارد و در آرای سید قطب علاوه بر این نظام‌ها، نظام گفتمانی هوشمند از نوع مرام‌دار نیز دیده می‌شود. او می‌کوشند گفتمان مبتنی بر مشیت الهی را چون محوری کلیدی حفظ نماید و به خاطر ساخته هنری در تصویرسازی‌های قرآن، در سوره احزاب نیز این نگاه خود را امتداد داده لذا در مواردی، گفتمان احساسی از نوع تنشی - عاطفی، نمود دارد.

کلید واژه‌ها: پیوستگی سوره، المیزان، فی ظلال القرآن، سوره احزاب، تحلیل گفتمان.

F-dastranj@araku.ac.ir

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک؛

a-Tabibi@araku.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، نویسنده مسئول؛

Arab.hm@yahoo.com

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک

## ۱- بیان مسائله

روشنمند کردن مطالعات قرآنی در عصر حاضر، محققان و قرآنپژوهان را به تلاش در بهره‌گیری از ظرفیت سایر دانش‌ها واداشته است. در این میان، مقوله تحلیل گفتمان که روشی جهت درک و فهم ساختار کلی گفتمان تولید شده است جایگاهی ویژه دارد. با توجه به اینکه قرآن با زبان خاص خود، گفتمانی است که توسط گفته‌پرداز برای ارتباط با گفته‌یابان نازل شده است، می‌توان گفت تلاش تفسیری مفسران، تلاشی جهت فهم گفتمان آیات است. در طول تاریخ، مفسران و محققان علوم قرآنی از وجود مختلف به مطالعه و فهم قرآن پرداخته‌اند، یکی از این وجوده پرداختن به گسستگی (discoherence) یا پیوستگی (coherence) سور قرآن است. در این میان گروهی اعتقاد دارند که چینش (arrangement) آیات در سوره‌ها و نیز چینش سوره‌ها به صورت توقیفی در زمان پیامبر (ص) صورت گرفته و از این رو درباره ارتباط میان آیات و ترتیب آنها قائل به نوعی پیوستگی و انسجام (cohesion) هستند، و اینگونه به تحلیل ساختاری سوره‌های قرآن به منابه یک کل منسجم و یکپارچه نظر دارند. هر چند این نظر مخالفینی دارد که اعتقاد به پیوستگی آیات ندارند، اما در این مقاله نگاه ما معطوف به قائلین به نظریه پیوستگی سوره است. در این میان سید قطب (۱۴۰۲ق) و علامه طباطبائی (۱۳۸۶ق) از جمله مفسرانی هستند که به این امر در تفاسیر خود اذعان نمودند. سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن در مقدمه تفسیر هر سوره از مفهوم "محور سوره" و یا در برخی موارد از "موضوع سوره" یاد می‌کند که این امر نشان از اهتمام او برای اثبات پیوستگی سوره است. علامه طباطبائی نیز در المیزان از موضوع اصلی سوره با عنوان "غرض سوره" یاد می‌کند و برای رسیدن به "غرض سوره" آیات ابتدایی و انتهایی و نیز سیاق (register) آیات را بررسی می‌کند. این تلاش‌ها و کوشش‌ها برای اثبات پیوستگی سوره جهت بهره‌مندی بیشتر از معارف قرآن و رسیدن به هدفی است که در آیات، سوره‌ها و در سطح بالاتر در کل قرآن نهفته است. از طریق تحلیل نظام زبانی قرآن و به تعبیر دیگر تحلیل گفتمان (discourse analysis) که از جمله مباحث

مهم نقد نوین می‌باشد می‌توان به فهم بهتر قرآن دست یافت. بیان انسجام و پیوستگی قرآن در پی بیان محتوای کلی سوره و به نوعی به دنبال فرآیند کشف معنای تولید شده ما را به تحلیل گفتمان نزدیک می‌نمایند. از آنجا که سوره احزاب به دلیل بحث‌های کلامی و دربرداشتن موضوعات متعدد، در خوانش قرآنی با شباهه عدم پیوستگی و انسجام در برخی فرازها مواجه است و یکی از کارکردهای نظریه پیوستگی سوره، پاسخ به شباهت پراکنده‌نمایی و گسستگی آیات است، لذا بهره‌گیری از مطالعات زبان‌شناسی در حوزه تحلیل گفتمان و کاربست آن در اثبات پیوستگی سوره و رفع شباهه پراکنده‌نمایی گفتمان‌های مطرح شده در آن بسیار کارگشاست. از این‌رو در پژوهش حاضر از تحلیل ساختار پیوسته و ثابت سوره فراتر می‌رویم و تلاش می‌کنیم ساختار منعطف و سیال سوره را در فرآیند تولید گفتمان تحلیل کنیم. بحث‌های کلامی پیرامون سوره احزاب و پراکنده‌نمایی محتوای آیات، که خود شباهتی را برای مستشرقان و برخی از قرآن‌پژوهان ایجاد کرده است، ما را بر آن داشت تا به بررسی آن پردازیم.

هر چند پرداختن به موضوع پیوستگی سوره با ادبیاتی مانند "نظم آیات" و "تناسب سور" در آثار پیشینیان به چشم می‌خورد اما آنچه در این پژوهش مدنظر است نگاه زبان‌شناسی و تحلیل گفتمانی به این مقوله است. از این‌رو به ذکر پژوهش‌هایی پرداخته می‌شود که از این منظر به عرصه پیوستگی سوره ورود کرده‌اند. برای مثال «الاوی» در کتاب «روابط متنی قرآن - ربط پیوستگی و ساختار» با یک نگاه زبان‌شناسانه و کاربردشناسانه به موضوع ارتباط آیات می‌پردازد و در صدد است تا با بهره‌گیری از نظریه ربط (Relevance Theory) متن را به عنوان کنشی از ارتباط بررسی نماید. ایشان در کتاب خود به بررسی سوره احزاب و قیامت می‌پردازند. تلاش ایشان ناظر به یافتن شاخص‌های روابط متنی مانند ندای تأکید و ضمائرگردانی و ... است. البته پژوهش‌های دیگری نیز وجود دارد که به نوعی به بررسی تناسب آیات پرداخته‌اند.

۱. نک: پایان‌نامه خانم مقبلی با عنوان «بررسی تناسب آیات در تفسیر المیزان از دیدگاه علامه طباطبائی با تکیه بر سوره احزاب» و مقاله «واکاوی کارکرد تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی متن قرآن کریم با تأکید بر رهیافت نیل راینسون» اثر نرجس توکلی و اعظم پویازاده.

از این رو پژوهش حاضر در صدد است تا با شیوه تحلیلی و با استناد به آرای تفسیری سید قطب و علامه طباطبائی در تفسیر سوره احزاب کاربست تحلیل گفتمان در اثبات نظریه پیوستگی سوره در تفسیر سوره احزاب را بررسی نماید و دریابد چه مؤلفه‌هایی در تحلیل گفتمان آیات به کمک اثبات پیوستگی سوره آمده و کدامیک از انواع نظامهای تحلیل گفتمان را می‌توان در آرای تفسیری سید قطب و علامه طباطبائی در سوره احزاب مشاهده کرد؟ با توجه به اینکه از نظرات دو مفسر استفاده می‌شود، مقاله حاضر به نوعی پژوهش تطبیقی (Comparative research) است که برای دست یافتن به این امر تمام آیات سوره احزاب بررسی و از میان آنها به آیاتی اشاره می‌شود که در آنها نظامهای تحلیل گفتمان، نمود بیشتری دارد.

## ۲- مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. پیوستگی

در فرهنگ لغت‌هایی چون دهخدا، فرهنگ فارسی معین و ... ذیل واژه «پیوستگی»، مفهوم اتصال و یکی شدن، همبستگی و ارتباط آمده است که در مقابل گستاخی و انفصال قرار دارد. در اصطلاح، «مفهوم پیوستگی و پیوستگی متن یکی از تعابیر اساسی دانش زبان‌شناسی است». (البرزی، ۱۳) پیوستگی متنی به کلیه روابطی اطلاق می‌شود که عنصری از یک جمله را به عناصری از جمله پیشین متصل می‌کند و از آنجا که چنین ارتباطی از طریق روابط متنی صورت می‌گیرد، «پیوستگی متنی شامل روابط لغوی، دستوری یا معنایی است». (Titscher,p22) در این میان پیوستگی معنایی به معنای «ارتباط مطالب متن و تعبیر و تفسیر آن با توجه به بافت‌های موقعیت در سطوح خرد و کلان، اعم از شرایط اجتماعی، دانش فرهنگی - اجتماعی مفسر درباره حقایق جهان و تجربیات زندگی، پیش‌ذهن‌ها، فرهنگ، باورها، اعتقادات، تاریخ، یینامنتیت و دانش زمینه‌ای است». (آقاگلزاد، ۵۵) پس مفهوم پیوستگی در دانش زبان‌شناسی تعریف شده و بر ارتباطی در سطح زبانی و فرازبانی دلالت می‌کند.

«پیوستگی سوره» شاخه مهمی از علم مناسبات در قرآن است. نظریه پیوستگی سوره که با عنوان وحدت موضوعی سوره‌های قرآن نیز شهرت یافته (شحاته، ۱۲) در پی بیان این نکته است که برخلاف تصور از هم‌پاشانی بودن آیات سوره و از هم‌گسیختگی آن، موضوعات درون یک سوره از انسجام و وحدت ساختاری برخوردار هستند که این پیوند و پیوستگی میان آیات با تدبیر در آنها قابل کشف است.

بحث از هدفمندی سوره با وحدت موضوعی، ذیل نظریه پیوستگی سوره مطرح می‌شود، زیرا وحدت موضوعی در مورد متنی صادق است که به هم‌پیوسته بوده و دارای انسجام ساختاری و محتوایی باشد. روشن است که این امر در مورد متن پراکنده و پریشان محلی از اعراب ندارد. در نظریه پیوستگی سوره، استنطاق از آیات، وابستگی بیش از حدّی به خود متن دارد و مفسر اتکای حداکثری به متن را بر می‌تابد تا از این رهگذر به کشف مراد خداوند از آیات پردازد. این امر همان معنای تدبیر در قرآن برای فهم قرآن است. مبنایی که قائلان به نظریه پیوستگی سوره در نظر دارند، موضوع «توقیفی بودن چینش آیات» در یک سوره است. (ایازی، ۱۸) قائلان به دیدگاه دوم در پی یافتن حکمت چینش آیات برآمده و معتقدند که این چینش دارای پیوستگی و انسجامی است که به فهم پیام سوره و در نهایت به فهم پیام قرآن کمک می‌نماید. سید قطب نیز از قائلین به نظر توقیفی بودن چینش آیات است. (سید قطب، ۴۲/۱)

## ۲-۲. تحلیل گفتمان

گفتمان و تحلیل گفتمان از جمله مفاهیمی هستند که تعاریف گوناگونی برای آنها بیان شده است. کوبلی تحلیل گفتمان را از جمله روش‌های کیفی تحقیق می‌داند که «از آن می‌توان به عنوان ابزاری قدرتمند برای فهم محتوا و ساختار استفاده کرد. (کوبلی، ۶۰۰/۳) در این نگاه تحلیل کاربرد زیان و به کارگیری زیان به متابه کنش اهمیت دارد. «هدف این روش تحلیل، سامان دادن، نظاممند کردن و استفاده بهینه از مؤلفه‌های نظیر تحلیل واژگان و

اصطلاحات، بررسی انسجام متن، سیاق و بررسی روابط بینامنی است». (شکرانی، ۹۹/۱۳) گفتمان فرآیندی است که در آن معنایی که توسط گفته‌پرداز (enunciator)، تولید شده، در سوی دیگر ماجرا توسط گفته‌یاب (enunciate) درک و دریافت می‌شود و این چنین تحلیل گفته (utterance) صورت می‌پذیرد، که متأثر از عوامل سطح زبانی و فرازبانی است.

### ۲-۳. انواع نظام‌های تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان یک فرآیند است و این فرآیند یک نظام گفتمانی را شکل می‌دهد. نظام‌های گفتمانی نظام‌های فرآیندی هستند که یا از ویژگی‌های کنشی، توانشی و شوش برخوردارند، یا بدون هیچ توانشی کنش آفرینی می‌کنند. (شعیری، ۱۰۶) در این تعریف «کنش» به عملی گفته می‌شود که ضمن تحقق برنامه‌ای، می‌تواند وضعیتی را به وضعیتی دیگر تغییر دهد. (وفایی، ۱۱) «شوش» نیز از مصدر شدن به دست آمده است. شوش یا توصیف‌کننده حالتی است که عاملی در آن قرار دارد یا بیان کننده وصال عاملی با ابزه یا گونه‌ای ارزشی است. عامل شوشی به واسطه رابطه پدیداری و حسی ادراکی که با دنیا برقرار می‌کند، معناسازی می‌کند. (همان، ۹۹) در این تعریف اگر نظام گفتمانی مبتنی بر عملکرد عوامل گفتمانی باشد از اصل کنش و اگر مبتنی بر نوع یا شیوه حضور آن عوامل باشد، از اصل شوش پیروی می‌نماید. (شعیری، ۷۷) با این زاویه نگاه می‌توان انواع نظام‌های گفتمانی را در سه دسته هوشمند، احساسی و رخدادی جای داد. هر کدام از این نظام‌ها خود دارای انواعی است. نظام گفتمانی هوشمند شامل نظام برنامه‌مدار (تجویزی)، القایی و مرام‌مدار است. نظام گفتمانی احساسی را می‌توان در سه دسته تنشی - عاطفی، حسی - ادراکی و زیبایی‌شناختی جای داد و در آخر نظام گفتمان رخدادی شامل گفتمان مبتنی بر مشیت الهی، مبتنی بر تصادف و مبتنی بر اقبال است.

### ۲-۴. مؤلفه‌های تحلیل گفتمان

در تحلیل گفتمان یک متن می‌توان مؤلفه‌هایی را لحاظ کرد که تحلیل‌گر را در واکاوی

متن کمک می‌نمایند. تحلیلگر با به کارگرفتن این مؤلفه‌ها در تحلیل، قادر به کاویدن متن و رسیدن به لایه‌های زیرین و پیام واقعی خواهد شد. (یارمحمدی، ۱۴۳) این مؤلفه‌ها می‌تواند برخاسته از پرسش‌هایی درباره شکل‌گیری گفتمان و یا اهداف مورد نظر گفتمان باشد. مؤلفه‌ایی که در مقاله «بررسی روش گفتمان‌کاوی و کاربست آن در متون روایی» (شکرانی، ۱۰۹) آمده مد نظر این مقاله است که البته میزان این مؤلفه‌ها می‌تواند بنا به نظر تحلیل‌گر کاهش یا افزایش داشته باشد. برخی از این مؤلفه‌ها عبارتند از

- واکاوی واژگان: دلیل انتخاب هر واژه در مقابل واژگان فرضی - نوع بیان واژگان و ...
- واکاوی جملات و گزاره‌ها: تحلیل جملات به لحاظ تقدم و تأخر - مجھول یا معلوم بودن - دلالت‌های ضمنی (استلزم، پیش‌فرض، اشاره، تداعی) - دلالت‌های مفهومی - صنایع ادبی - مباحث نحوی، بلاغی و ... .

• بررسی پیوستگی متن به لحاظ ساختاری و معنایی: دارای عناصری چون ارتباط آغازه و پایانه - عوامل ربطی (افزایشی ، علی، زمانی، نقیضی، شرطی، توضیحی، تخصیصی، امتیازی) - ارجاع (اسامی خاص، عبارات اسامی، ضمائر) - عوامل واژگانی (تکرار عین واژه، واژگان هم‌معنا و...) - تعیین دامنه سیاق و ... .

- تعیین ساختارهای درونی متن و معنای کلان آن: دلیل انتخاب موضوعات مختلف در آیات - چرایی تأکید - حذف و ... .

• توجه به روابط بیرون از متن: توجه به روابط بینامتنی و بافت موقعیت.

در ادامه به دنبال نمود این مؤلفه‌ها در آرای تفسیری علامه و سید قطب از تفسیر سوره احزاب هستیم. در حقیقت در این مقاله نوعی مهندسی معکوس صورت می‌گیرد. به این معنی که با آشنایی با مؤلفه‌های تحلیل گفتمان می‌خواهیم بدanim که سید قطب و علامه چگونه و از چه مؤلفه‌ایی در اثبات پیوستگی سوره برهه برده‌اند.

### ۳- تحلیل گفتمان سوره احزاب با محوریت تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن

علامه و سید قطب سوره احزاب را سوره‌ای مدنی می‌دانند. (طباطبایی، ۴۰۹/۱۶؛ سید قطب، ۱۳۰/۵) در ورود به سوره علامه طباطبایی ابتدا فضای کلی سوره را ترسیم می‌نماید. ترسیم فضای کلی سوره توسط علامه طباطبایی در حقیقت مقدمه‌سازی تحلیل گفتمان آن است. علامه در این راستا بیان می‌کند: «این سوره مشتمل است بر معارف، احکام، قصص، عبرت‌ها، و مواعظی چند، و از آن جمله مشتمل است بر داستان جنگ خندق، و اشاره‌ای هم به داستان یهودیان بنی قریظه دارد.» (طباطبایی، ۴۰۹/۱۶) اما بیش از این به مقدمه نمی‌پردازد و وارد بحث آیات ابتدایی سوره می‌گردد. اما سید قطب مقدمه بیشتری برای سوره احزاب مطرح می‌نماید. ایشان ضمن ترسیم فضای کلی سوره احزاب، موضوعات مطرح شده در سوره احزاب را در شش مرحله به صورت خلاصه مطرح می‌نماید. از نظر سید قطب خداوند در سوره احزاب در پی رد و یا پذیرش برخی از نظامات و تشکیلات جامعه اسلامی نویاست، که همه این رخدادها با یک اصل بزرگ پیوند می‌خورد و آن هم اصل عقیده به خدا و تسلیم قضا و قدر او شدن است. (سید قطب، ۱۳۰/۵) بنابراین محور سوره در نظر سید قطب سر و سامان دادن به نظامهای جامعه اسلامی نویا مطابق با جهان‌بینی اسلامی و عقیده به خدا و تسلیم قضا و قدر شدن او در تمام امور و پیروی کردن از برنامه یگانه الهی است.

ارائه ساختار کلی نخستین گام در بی‌جوبی پیوستگی است. زیرا معنای کلان تنها به وسیله مبحث انسجام‌بخشی در سطح یک متن کلی، قابل تحلیل است (شکرانی، ۱۰۹) علامه و بیشتر از ایشان سید قطب با بیان فضای کلی سوره، به این موضوع می‌پردازند. گام دوم در بی‌جوبی پیوستگی سوره دسته‌بندی آیات در بخش‌ها و زیربخش‌هast. تا از یک ارتباط جزئی و خطی میان آیات پشت سر هم، به ارتباط فرازهای مختلف با هم و با محور سوره حرکت نماییم. در فرازبندی سوره احزاب، علامه سوره را به هفت فراز و سید قطب آن را به شش فراز دسته‌بندی می‌کنند. ملاک در این مقاله فرازبندی علامه از سوره احزاب است.

۱. فرازبندی آیات سوره احزاب							
۷۳-۶۳	۶۲-۴۹	۴۸-۴۱	۴۰-۳۶	۳۵-۲۸	۲۷-۹	۸-۱	تفسیر المیزان
۷۳-۶۳	۶۲-۴۹		۴۸-۳۶	۳۵-۲۸	۲۷-۹	۸-۱	تفسیر فی ظلال القرآن

جدول ۱- فرازبندی آیات سوره احزاب در تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن

علامه و سید قطب در هر فراز از سوره احزاب، به روشن کردن گفتمان آیات و مؤلفه‌های مختلف پرداخته و تحلیل خود را ارائه می‌دهند. که از میان این مؤلفه‌ها و تحلیل گفتمان‌ها صرفاً به مباحثی اشاره می‌شود که در راستای اثبات پیوستگی سوره است. در ادامه برای راهیابی به نظام‌های تحلیل گفتمان در آرای تفسیری سید قطب و علامه، هفتاد و سه آیه سوره احزاب، بررسی و فرازها و پیکره‌های مهم و کلیدی در تبیین و تحلیل نظام گفتمانی حاکم بر آیات، مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

### ۱-۳. تحلیل گفتمان آیات ۸-۱ سوره احزاب

سوره احزاب با خطاب قرار دادن پیامبر (ص) آغاز شده است، «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ». سید قطب این امر را بخشی از گفتمان تولید شده در آیه می‌داند. با عنایت به مؤلفه تحلیل گفتمانی ارجاع، می‌توان گفت دلیل این خطاب آن است که پیامبر مسئول و مراقب جامعه نویاست و از آنجا که محور سوره در مورد سر و سامان دادن به نظام‌های جامعه اسلامی است با این ارجاع در ابتدای سوره، مسئولیت این امر را بر عهده پیامبر(ص) می‌گذارد. (سیدقطب، ۱۳۲/۵) سیدقطب و علامه میان سه آیه اول سوره «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّ اللَّهَ وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْمًا حَكِيمًا. وَ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيْكَ مِنْ رِبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا. وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كُفَّرْ بِاللَّهِ وَ كِبَلَ» ربط زنجیره‌ای برقرار می‌کنند. سید قطب این عناصر سه‌گانه را سبب جهت‌دهی به زندگی می‌داند. «این عنصرهای سه‌گانه: تقوا، ترس از خدا، پیروی از وحی خدا و توکل کردن به او – با وجود مخالفت کافران و منافقان – عنصرهایی هستند که دعوت کننده به سوی خدا را با ذخیره و اندوخته مجھز و مهیا می‌گردانند و دعوت را بر راستای برنامه روشن و خالصانه آن استوار و پایدار می‌نمایند. آن وقت چنین می‌شود: دستور

زندگی از خدا دریافت می‌شود، راه زندگی به سوی خدا می‌رود و هم بد و منتهی می‌شود و در انجام امور زندگی بر خدا تکیه و توکل می‌گردد. (سید قطب، ۱۳۲/۵) این امر همان مصدقی است از تسلیم خدا شدن در تمام امور.

در ادامه در ابتدای آیه چهارم «ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبِيْنِ فِي جَوْفِهِ...» علامه و سید قطب در تفسیر خود مخاطب و گفته‌یاب را به یک توانش منطقی در فهم این گفتمان دعوت می‌کنند. هر انسانی صاحب یک دل است و در یک دل، یک معبد جای دارد. از این‌رو علامه ارتباط این آیه با آیات قبل را این می‌داند که آیه شریفه تعلیل مطلب قبل است، که رسول خدا (ص) را از اطاعت کفار و منافقین نهی می‌کرد و به پیروی آنچه به وی وحی می‌شود امر می‌فرمود، جمله مورد بحث این امر و نهی را تعلیل می‌کند و می‌فرماید اطاعت خدا با اطاعت کفار و منافقین تنافی دارد، چون قبول ولایت خدا و ولایت آنان متنافي است، مثل توحید و شرك، که در یک قلب جمع نمی‌شود. (طباطبایی، ۴۱۰/۱۶)

سید قطب نیز این فراز را تعلیل آیات اول تا سوم می‌داند که امر به متابعت از خدای یگانه به پیامبر(ص) را بیان می‌کند و آن را مرتبط به محور سوره دانسته و بیان می‌کند باید یک دل، یک جهان‌بینی کلی برای زندگی و برای هستی داشته باشد. (سید قطب، ۱۳۹/۵) که این امر همان محور سوره و تسلیم خدا شدن و پیروی کردن از برنامه یگانه الهی است.

سید قطب اعتقاد دارد که این سوره در پی سامان بخشیدن به زندگی اجتماعی و اخلاقی جامعه اسلامی نوپا است و از این جهت به دنبال مثال‌ها و نمونه‌هایی از این استوار داشتن در سوره است. در همین راستا سید قطب از ربط توضیحی (بیان نمونه و مصدق) برای بیان پیوستگی آیات با یکدیگر و با محور سوره، بیشتر از سایر مؤلفه‌های تحلیل گفتمان بهره می‌برد. در آیات چهارم تا ششم «ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبِيْنِ فِي جَوْفِهِ وَ مَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الَّاتِيْ نُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أَمَهَاتِكُمْ وَ مَا جَعَلَ أَذْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَ اللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَ هُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ أُدْعُوْهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْرُونَكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيْكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا

تَعْمَدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا。النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَرْوَاحُهُمُ أَمْهَاتُهُمْ وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَى أُولِيَّائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا» به مصاديقی اشاره می‌کند: رد پدیده ظهار و فرزندخواندگی به علت استوار داشتن خانواده بر بنیاد روش در جامعه و تحکیم پیوندهای خونی در جامعه - عادلانه بودن خواندن پسران به نام پدرانشان به علت (ربط علی) تبیین روش روابط خانوادگی - مقرر کردن سیستم برادری پس از لغو سیستم فرزندخواندگی به علت رها نشدن فرزندخواندگان پس از لغو ارتباط در جامعه - پذیرش برادری دینی و ولایت عامه پیامبر(ص) و مقدم داشتن پیامبر(ص) بر خود نشان دهنده (دلالت ضمنی) ساختن رابطه‌های جدید بر اساس عقیده واحد - مادری همسران پیامبر(ص) نسبت به مؤمنین به معنی (ربط تخصیصی) وجوب احترام به همسران پیامبر(ص) و مادری روانی مؤمنین. (سید قطب، ۱۴۹-۱۴۰/۵) این گفتمان‌ها از جمله مصاديقی در راستای محور اصلی سوره است.

همچنین سید قطب عمل مهاجران و نیز انصار را در پذیرش ولایت عامه پیامبر(ص) پیاده کردن عقیده به صورت کامل و چیره و پیروز کردن عقیده بر دل می‌داند و آن را مصدقی (ربط توضیحی) برای آیه چهارم «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» بر می‌شمرد (سید قطب، ۱۴۹/۵) و از این طریق آیات را به هم پیوند می‌دهد.

سید قطب در بیان ارتباط آیات تلاش بیشتری دارد و در ورود به آیه هفتم «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّنَ مِثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِثِيقًا غَلِيلًا» بیان می‌دارد: «به مناسبت چیزی که در کتاب خدا نوشته است و اراده و مشیت خدا بر آن رفته است تا قانون باقی و ماندگاری، و برنامه مستمر و بردوامی گردد، به پیمان بیزان با پیغمبران به طور عام و انبیاء اولوالعزم به طور خاص اشاره می‌کند.» (سید قطب، ۱۵۰/۵) از نظر سید قطب اخذ این پیمان کنش مستمری است از زمان حضرت نوح(ع) تا حضرت محمد(ص) که پیامبری به پیامبر بعد از خود تحويل می‌دهد. علامه برای بیان

خاص بودن این میثاق از دلالت نحوی بهره می‌برد و اضافه شدن میثاق به ضمیری که به انبیاء بر می‌گردد را دلیل این امر می‌داند. (طباطبایی، ۴۱۶/۱۶)

علامه و سید قطب معتقدند که آیه هشتم «يَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَ أَعْدَ لِكُفَّارِينَ عَذَابًا أَلِيمًا» در مقام تعلیل (ربط علی) آیه قبلی است و علت اخذ پیمان را بیان می‌کند. علامه "لام" را در "لَيَسْأَلَ" لام تعلیل و یا لام غایت می‌داند و آن را متعلق به محذوفی می‌داند که جمله "وَ أَخَذْنَا" بر آن دلالت دارد و جمله "أَعْدَ" بر همان محذوف عطف است. (طباطبایی، ۴۱۷/۱۶)

## ۲-۳. تحلیل گفتمان آیات ۲۷-۹

سوره احزاب از نظر سید قطب و علامه این آیات مربوط به حوادث جنگ احزاب و ماجراهی بنی قریظه است. علامه وجه اتصال این فراز آیات را به آیات قبل این می‌داند که در این آیات درباره حفظ عهد و پیمان‌شکنی گفتگو شده است، (طباطبایی، ۴۲۷/۱۶) و مصداقی از این امور را بیان می‌کند. در نظر سید قطب در این جامعه نوپا که نظام‌ها در حال استوار شدن است، آرام آرام شخصیت مسلمانان نیز در حال شکل‌گیری است و این تربیت از طریق گرفتار شدن در فتنه و آزمایش‌های دشوار صورت می‌گیرد، که نمونه آن حوادثی است که در این آیات بدان پرداخته می‌شود. سید قطب تذکر دادن مؤمنان به دادن نعمت «یا آئُهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» را اینگونه به آیات ابتدایی گره می‌زند (ربط افزایشی) که «همان خدایی که به مؤمنان دستور می‌دهد از وحی پیروی کنند، تنها بر او توکل کنند و از کافران و منافقان اطاعت ننمایند، همان خدایی است که پاسداران دعوت و برنامه خود را از تجاوز و تعدی کافران و منافقان می‌پاید و محافظت و مراقبت می‌کند.» (سید قطب، ۱۶۰/۵)

به طورکلی در این فراز از آیات علامه و سید قطب برای تبیین گفتمان موجود در آیات از روابط بینامنیت و رجوع به متون روایی و گزارش‌های تاریخی بهره می‌برند. نگاه علامه در این

آیات بیشتر بر روی دلالت‌های نحوی و کاربرد واژگانی مرکز است و سید قطب بیشتر به تصویرسازی آیات از حوادث و وقایع نظر دارد و جنبه اعجازآمیز خداوند در بیان ماجرا را مدنظر دارد. این نگاه سید قطب به سابقه او در نگارش «التصویر الفنی فی القرآن» برمی‌گردد.

سید قطب گفتمان آیه هفدهم «قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بَكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بَكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» را چیزه بودن قضا و قدر خدا بر حادثه‌ها و سرنوشت‌ها تحلیل می‌کند و آن را دارای ربط علیٰ به محور سوره می‌داند. همچنین ایشان گفتمان‌هایی که در آیه بیست و یکم تا بیست و پنجم آمده را دارای ربط نقیضی با آیات دوازدهم تا بیستم می‌داند که در آن پس از ترسیم چهره نازیبای منافقان، به ترسیم چهره زیبای مؤمنان – با معرفی پیامبر (ص) به عنوان اسوه – می‌پردازد. (سید قطب، ۱۶۷/۵) علامه نیز وفا کردن برخی از مؤمنین به عهد خود با خدا و رسولش را که در آیه بیست و سوم «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدُّلُوا تَبْدِيلًا» آمده دارای ربط نقیضی با آیه نوزدهم و بیستم می‌داند.

(طباطبایی، ۴۳۴/۱۶)

### ۳-۳. تحلیل گفتمان آیات ۳۵-۲۸ سوره احزاب

سید قطب این فراز از آیات را درس سوم سوره احزاب می‌داند که اختصاص به همسران پیامبر (ص) دارد. این آیات در ادامه ذکر «امهات المؤمنین» در ابتدای سوره آمده است که به منظور روشن کردن وظائف، تکالیف، مشکلات و مشقات این نوع مادری است. (سید قطب، ۱۸۵/۵)

در مورد آیات بیست و هشتم و بیست و نهم «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْواجِكَ إِنْ كُنْتُنَّ تُرِدُنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أَمْتَعْكُنَ وَ أُسْرَحْكُنَ سَرَاحًا جَمِيلًا وَ إِنْ كُنْتُنَ تُرِدُنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعْدَ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَ أَجْرًا عَظِيمًا» سید قطب و همین طور علامه برای روشن شدن گفتمان آیه از متون روایی و گزارش‌های تاریخی بهره می‌برند.

سید قطب ارتباط این دو آیه را با آیه چهارم «ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبِيْنِ فِي جَوْفِهِ» اینگونه بیان می‌دارند که همسران پیامبر (ص) بین دو امر یعنی تمتع و بهره‌برداری از زندگی دنیا و زندگی با رسول خدا و جهان آخرت مخیر شدند، زیرا یک دل گنجایش دو جهان‌بینی درباره زندگی را ندارد و خدا هم درون کسی دو دل نیافریده است. (سید قطب، ۱۸۸/۵)

در مورد آیه سی ام "يَا نِسَاءَ الَّذِيْنَ مُنْبَأْتُ مِنْكُنَ فِيْ حَشَّةً" علامه به یک ضمیرگردانی اشاره می‌کند و دلیل این التفات را این می‌داند که آیه تکلیفی را که متوجه همسران پیامبر (ص) است، از این طریق مسجل و مؤکد می‌نماید. علامه این آیه و آیه بعد را به نحوی تقریر و توضیح آیه قبل می‌داند. یعنی روشن شدن گفتمان «فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَ لِلْمُحْسِنِاتِ مِنْكُنَ أَجْرًا عَظِيمًا» توسط آیه سی ام و سی‌ویکم صورت می‌گیرد و نفیاً و اثباتاً در مورد محسنات و اجر عظیم صحبت می‌کند. (طباطبایی، ۴۵۹/۱۶) سید قطب این دو آیه را پیامد مکانت و منزلت همسران پیامبر(ص) می‌داند، که به نسبت جایگاه خود و مادر مؤمنان بودن، تکالیف دشواری دارند و به نسبت اجر و پاداش عظیم، در صورت مرتكب شدن گناه بزرگ و آشکار نیز، عذاب دو چندان می‌بینند. (سید قطب، ۱۸۸/۵)

سید قطب گفتمان‌های آمده در این آیات را که به بیان ویژگی‌های مادران مؤمنان می‌پردازد، علّتی بر سر و سامان دادن به نظم اجتماعی و امور خانوادگی می‌داند که این امور مصادقی از محور سوره در سامان دادن به جامعه اسلامی است.

علامه اطاعت آمده در ادامه آیه سی و سوم «وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَةَ وَ أَطْعِنْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» را روشن کرده و امثال امر خدا را تکلیف شرعی دانسته و اطاعت از رسول را به سبب ولایتی می‌داند که حضرت رسول (ص) بر مؤمنان دارد و در آیه ششم «النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» آمده بود (طباطبایی، ۴۲۶/۱۶) سید قطب برای داشتن نماز و دادن زکات و اطاعت از خدا و رسولش را آخرین رهنمودهای احساسی، اخلاقی و رفتاری می‌داند که خطاب به اهل بیت صادر می‌شود و همه این رهنمودها دارای حکمت و قصد و هدفی است که همان «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا»

است. به این معنا که خداوند در یکی دو آیه قبل لوازم زدودن پلیدی را نام می‌برد تا این موضوع را بیان نماید. (سید قطب، ۱۹۹/۵)

درباره فراز انتهایی آیه سی و سوم که به آیه تطهیر معروف است علامه و سید قطب نظر مشابهی ندارند، سید قطب این بخش از آیه را در اتصال با سایر آیات این فراز می‌داند و به نوعی وحدت سیاق را شاهد می‌گیرد و مصدق اهل بیت را همسران پیامبر (ص) به حساب می‌آورد. (سید قطب، ۱۹۹/۵) اما علامه با توجه به برخی از استدلالات نحوی و بیشتر از آن با تکیه بر روابط بینامتنی نزول و قرارگیری آیه تطهیر را در این بخش از سوره مستقل دانسته و مصدق اهل بیت را فقط خمسه طیّبه می‌داند. (طباطبایی، ۴۶۲/۱۸)

سید قطب در تحلیل گفتمان ذکر مردان و زنان مؤمن و مسلمان را در کنار یکدیگر در آیه سی و پنجم «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ...» را با توجه به بافت موقعیت زمان نزول که ارزشی برای زن قائل نبود، دلالتی بر یکسان دانستن مردان و زنان در تشکیل جامعه اسلامی و ارزش قائل شدن برای زنان می‌داند که خود مصدق دیگری از سر و سامان به نظام جامعه اسلامی نویاست. (سید قطب، ۲۰۰/۵)

#### ۳-۴. تحلیل گفتمان آیات ۳۶-۴۰ سوره احزاب

علامه و سید قطب جهت تبیین گفتمان آیات به روابط بینامتنی اشاره کرده و متذکر شده‌اند که آیه ابتدایی در مورد زید بن حارثه و زینب بنت جهش است. که با توجه به آیات بعد به ماجراهی ازدواج و طلاق آن دو و ازدواج پیامبر (ص) با زینب می‌پردازد. سید قطب این آیات را با محور اصلی سوره پیوند زده و بیان می‌دارد که در این فراز نیز یکی دیگر از قوانین جامعه اسلامی برای سامان بخشیدن به گروه مسلمانان بیان گشته است. این قانون ابطال حرمت ازدواج با همسر فرزندخوانده است که از نظر سید قطب، مأموریت دشواری است که پیامبر (ص) در راستای انجام وظیفه رسالت، عهده‌دار انجام آن می‌گردد. سید قطب این تغییر کش را در مردم جامعه آن زمان که باور به حرمت ازدواج با همسر پسرخوانده را

قطعی می‌دانستند، بار سترگی بر دوش حضرت می‌داند. زیرا اعتقاد دارد که این باور ریشه در ژرفای درونی جامعه دارد. سید قطب و علامه بیان می‌دارند پیش از این به ابطال رسم فرزندخواندگی در آیه چهارم پرداخته شده است. اما اینجا به نفی کنش دیگری پرداخته می‌شود و یک تغییر در کش از مخاطبان آیات انتظار می‌رود. (سید قطب، ۲۰۲/۵)

علامه آیه سی و ششم "وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٌ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أُمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا" را مقدمه‌ای برای آیات بعد می‌داند. سپس به بیان مفهوم قضای خدا و قضای رسول می‌پردازد. در این راستا از سیاق کمک گرفته و قضای خدا را حکم شرعی می‌داند که به وسیله آن در شئونات آنان دخل و تصرف می‌کند. در بیان قضای رسول از ارتباط آیات کمک گرفته و با توجه به آیه ششم «النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» بیان می‌دارد که این امر به خاطر ولایتی است که خداوند برای پیامبر(ص) قرار داده است. از این طریق قضای رسول، قضای خدا نیز هست. زیرا اوست که امر رسول را در بندگانش نافذ کرده است. (طباطبائی، ۴۸۱/۱۶) سید قطب نیز این آیه را در ربط افزایشی با محور سوره در تسلیم قضای قدر خدا شدن می‌داند. (سید قطب، ۲۰۲/۵)

### ۳-۵. تحلیل گفتمان آیات ۴۱-۴۸ سوره احزاب

علامه در تحلیل واژگانی "ذکر" در آیه چهل و یکم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» آن را مقابله نسیان گرفته و معنای آن را فراتر از ذکر زبانی می‌داند، [۴۹۲/۱۶، ۱۸] سید قطب نیز در این زمینه با علامه هم رأی است. سید قطب دلی را که لبریز یاد خداست، دارای وقار می‌داند و این دل می‌تواند با برنامه خدا آشنا شده و گام‌هایش را به سوی او بردارد. سید قطب در بیان ارتباط آیه با محور سوره، ذکر خدا را لازمه و پیش‌زمینه آشنا شدن با برنامه الهی می‌داند. این دل باید سرشار از باوری باشد تا مؤمن را به توانشی سوق دهد که با تمام وجود مطیع خداوند باشد. ذکر خداوند این باور بنیادین را در مؤمن تقویت می‌کند. (سید قطب، ۲۱۳/۵)

علامه آیه چهل و سوم «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» را دارای ربط شرطی به آیه چهل و یکم می‌داند و بیان می‌کند: «اگر خدا را بسیار یاد کنند، و او را صبح و شام تسبیح گویند، خدا هم بسیار بر آنان درود می‌فرستد، و غرق نورشان می‌کند، و از ظلمتها دورشان می‌سازد.» (طباطبایی، ۴۹۳/۱۶)

سیدقطب و علامه آیه چهل و هشتم «وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ دَعْ أَذَاهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» را تکرار همان خطابی می‌داند که در سرآغاز سوره آمده است که مقوله اذیت و آزار کافران افزون بر آن آمده است. (طباطبایی، ۴۹۳/۱۶؛ سید قطب، ۲۱۶/۵)

### ۳-۶. تحلیل گفتمان آیات ۶۲-۶۹ سوره احزاب

علامه فضای کلی این فراز را در مورد نکاح و طلاق می‌داند که بعضی مخصوص پیامبر(ص) و برخی راجع به همه مسلمانان است. سید قطب نیز این آیات را در بیان احکام قرآنی جهت نظم و نظام دادن به کارهای خانواده می‌داند که از دید ایشان مرتبط با همان محور سوره است. (سید قطب، ۲۱۷/۵) مانند عدم ازدواج با همسران پیامبر(ص) بعد از درگذشت ایشان که علت حرمت آن در ششم بیان شد.

### ۳-۷. تحلیل گفتمان آیات ۶۳-۷۳ سوره احزاب

علامه طباطبایی موضوع آیات این فراز را اینگونه بیان می‌کند: «این آیات درباره ساعت یعنی قیامت سخن می‌گوید و پاره‌ای از آنچه بر سر کفار خواهد آمد و عذاب‌هایی که خواهند دید را بیان می‌کند و مؤمنین را دستور می‌دهد به اینکه سخن سنجدیه و منطقی بگویند و وعده‌شان می‌دهد به وعده‌هایی جمیل. در آخر، سوره را با ذکر مسئله امانت ختم می‌کند.» (طباطبایی، ۵۲۰/۱۶)

سید قطب در سیر ارتباط با آیات تذکر می‌دهد که پرسش از قیامت «يَسْتَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ» برای این است که با این عاقبت آشنا شویم و اینگونه کار کردن برای قیامت، یکانه

چیزی است که انسان را از این سرنوشت بدشگون نجات می‌دهد. (سید قطب، ۲۲۹/۵) در واقع این تصویرسازی کمک می‌کند تا افراد نتیجه کنش‌های صالح و فاسد خود را دریابند و انسانی که غافل نباشد، از تحذیر این آیات درس گرفته و کنش‌های خود را اصلاح می‌نماید.

در پایان آیه ۷۲ علامه بیان می‌دارد که با این آیه، سوره احزاب در حقیقت تمام شده است، چون مسئله اطاعت خدا و رسول، کلام جامعی است که همه احکام سابق از واجبات و محرمات را شامل می‌شود، و دو آیه بعدی به منزله متمم برای آیه مورد بحث است.

(طباطبایی، ۵۲۴/۱۶)

سید قطب در انتها بیان می‌دارد سوره‌ای که با رهنمود کردن پیامبر(ص) به اطاعت از خدا، نافرمانی از کافران و منافقان، پیروی کردن از وحی خدا و توکل کردن بر خدای یگانه آغاز گردیده بود با این آهنگ هراس‌انگیز و امانت عظیمی که بر دوش انسان است پایان می‌باید و اینچنین ارتباط آغازه و پایانه را با محور اصلی بیان می‌کند سوره‌ای که رهنمودها و قوانین و مقرراتی را در بر گرفته است، رهنمودها و قوانین و مقرراتی که نظام و سیستم جامعه اسلامی بر آنها استوار و پایدار می‌گردد. جامعه‌ای که مخلص خداست و رو به خدا می‌کند و مطیع رهنمودها و رهنمون‌های خدا می‌شود. با این آهنگ این سوره پایان می‌پذیرد، آهنگی که بزرگی مسئولیت و سترگی امانت را به تصویر می‌کشد، موضع بزرگی و منشأ سترگ را معین و مشخص می‌دارد، سراسر آن را در تلاش انسان برای شناخت یزدان، راهیابی به قانون خدا، فرمان بردن از مشیّت و اراده او محصور و محدود می‌کند. با این آهنگ این سوره پایان می‌پذیرد و بدین وسیله فرجام و پایان سوره با موضوع و روی کرد آن هماهنگ و هم‌آوا می‌گردد، هماهنگی و هم‌آوابی اعجازانگیزی که به تنها دال بر سرچشمه این کتاب است. (سید قطب، ۲۳۶/۵)

در نمودار ۱ کاریست تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی فرازهای مختلف سوره احزاب را در آرای سید قطب را مشاهده می‌کنید.

کاربست تحلیل گفتمان در تبیین پیوستگی سوره احزاب (با محوریت تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن) ۱۰۹ //



محدوده سوره	فراز ۷۳-۶۳ سوره احزاب		
سر و سامان دادن به فندهای جامعه اسلامی نوی مطابق با جهانیت اسلامی — عقیده به خدا و تسلیم قضا و ذر شدن او در تمام امور و بیروی کردن از برناهه گفان الهی	<p>پرسش از تاریخ وقوع قیامت - ترسیم صحنه‌ای از صحنه‌های قیامت - نهی از آزار پیامبر (ص) - توصیه مؤمنان به قول سدید و اصلاح عمل و اطاعت از خدا و رسول - امتناع آسمان و زمین و کوه از پذیرش امانت الهی - انسان و پذیرش امانت الهی - بیان غایت منافقان، مشرکان و مؤمنان.</p>		
ارتباط اغوا	امانی که انسان به دوش می‌کشد همان عقیده به خداست که در ابتدای سوره پیامبر به اطاعت از آن امر شد.	ارتباط با فرزانه	تحلیل گفتمان
و بیرونی		و فرزانه	فرمان آن
<ul style="list-style-type: none"> <li>- با ترسیم صحنه‌ای از صحنه‌های قیامت عاقبتی را نشان می‌دهد تا انسان‌ها را از غفلت از خداوند باز دارد.</li> <li>- مطلع خدا و رسول بودن و نهی از آزار رسول.</li> <li>- حمل امانت عقیده و شریعت توسط انسان و از پای نشستن برای اجراء تکالیف آن در جامعه اسلامی.</li> </ul>			

نمودار ۱ - کاربست تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی فرازهای مختلف سوره احزاب.

#### ۴- تبیین تناسب فرازهای هفت‌گانه و اثبات پیوستگی کل سوره

یکی از کارکردهای نظریه پیوستگی سوره می‌تواند پاسخ به شباهات پراکنده‌نمایی و گستگی آیات سوره قرآن باشد. در بخش‌های قبل به فراز بندی سوره احزاب از نظر علامه طباطبایی و سید قطب پرداخته شد. سوره به ۷ فراز تقسیم شده و ارتباط آیات هر فراز با هم بررسی گردید. اما آنچه که اساس پیوستگی کل سوره را تضمین می‌کند رابطه فرازها با یکدیگر است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. علامه طباطبایی عدم تناسب ظاهری در برخی فرازها را با مبنای اساسی خود در تفسیر که همان هدفمندی سوره است تبیین می‌کند و با توجه به روابط بینامتنی و نیز بهره‌گیری از توانش منطقی در رد سایر اقوال و نیز دلالت‌های نحوی و واکاوی واژگانی و نیز بهره‌گیری از آیه قبل (شرط تقوای بیان شده در آیه سی و دوم که با اراده مطلقه خداوند منافات دارد) بیان می‌دارد که این این فراز از آیه مستقل بوده و ارتباطی به آیات قبل و بعد از آن ندارد.

سید قطب با تحلیل گفتمان فرازهای سوره احزاب آنها را گفتمان‌هایی می‌داند که یا انسان را به تسلیم خدا بودن و مطیع عقیده واحدی گشتن سوق می‌دهد و یا در پی سر و سامان دادن به تشکیلات جامعه اسلامی است که آن هم در صورت پذیرش عقیده الهی امکان پذیر است. به این صورت سید قطب فرازهای مختلف سوره احزاب را به محور سوره پیوندمی‌زند و از آن سو در ارتباط گفتمان فرازهای مختلف آیات با یکدیگر از مؤلفه‌هایی نظیر ربط توضیحی، ربط افزایشی، تکرار، ارتباط آغازه و پایانه بهره می‌برد.

#### ۵- نتیجه مقاله

تحلیل پیوستگی سوره احزاب در آرای تفسیری سید قطب و علامه با استفاده از مؤلفه‌های تحلیل گفتمان، نشان داد که تلاش هر دو مفسر در اثبات پیوستگی سوره در چند فراز ابتدایی بیش از فرازهای پایانی است. در مقام مقایسه علامه در تحلیل گفتمان به جزئیات بیشتری توجه دارد و همین امر باعث شده که ایشان به ریز گفتمان‌هایی در دل

آیات اشاره نماید. ولی سید قطب بیشتر روح کلی گفتمان سوره را مدنظر دارد. علامه طباطبائی با آنکه قرآن را دارای روحی واحد می‌داند و معتقد به وحدت موضوعی سوره‌هاست اما در برخی فرازها در این سوره را منقطع دانسته است. با این وجود، نحوه پردازش مطالب و تبیین آیات در تفسیر سید قطب و علامه، منطبق بر گفتمان هوشمند از نوع القابی است، که یکی از طرفین گفتمانی تلاش می‌کند با تأثیر بر دیگری توانش او را به نحوی تغییر دهد و او را به کنشی که می‌خواهد سوق دهد. هرچند گفتمان هوشمند از نوع برنامه‌مدار و تجویزی، از جمله نظام‌هایی است که بیشترین قابلیت تطبیق برآرای آنها را دارد. زیرا خداوند دستوراتی را برای گفته‌یاب‌ها صادر می‌کند که لازم‌الاجرا است. لذا در این فرازها گفتمان رخدادی از نوع مشیّت الهی، حاکم است که خبر از حضور مرجعی قدرتمند و فرابشری دارد که منشأ اصلی همه توانش‌ها و کنش‌های است. این امر در نگاه سید قطب جایگاه برجسته‌ای دارد تا آنجا که می‌توان گفت سید قطب در پیوستگی آیات سعی می‌کند گفتمان مبتنی بر مشیّت الهی را چون محوری کلیدی حفظ نماید. از همین روست که سید قطب، پذیرش گفتمان دستوری و برنامه‌دار خداوند را از سوی گفته‌پرداز به حق می‌داند.

حتی سید قطب بیشتر از این رفته و گفته‌یاب را در نسبت با خداوند دارای باور بنیادینی می‌داند که در مواردی بدون اینکه به کنشی خوانده شود، فقط بر حسب وظیفه معرفتی خود به انجام کشش تن می‌دهد. از این رو گفتمان هوشمند از نوع مرام‌مدار نیز در آرای تفسیری سید قطب آمده است. علاوه بر این موارد سید قطب به خاطر سابقه هنری در تصویرسازی‌های قرآن، در سوره احزاب نیز این نگاه خود را امتداد داده و در مواردی به گفتمان احساسی از نوع تتشی - عاطفی اشاره می‌کند.

از آنجا که علامه بیان روشی در ارائه محور سوره احزاب ندارد، نتوانستیم آرای ایشان را به محور سوره مرتبط نماییم. اما سید قطب اهتمام بیشتری به پیوسته نشان دادن گفتمان آیات با محور سوره دارد و فرازهای مختلف سوره احزاب را به محور سوره پیوند می‌زنند و از آن سو در ارتباط گفتمان فرازهای مختلف آیات با یکدیگر از مؤلفه‌هایی نظیر ربط

توضیحی، ربط افزایشی، تکرار، ارتباط آغازه و پایانه بهره می‌برد.

در جدول ۲ می‌توانید تطبیق کاربست مؤلفه‌های تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی سوره در آرای تفسیری سید قطب و علامه طباطبائی در تفسیر سوره احزاب را مشاهده نمایید.

ردیف	مؤلفه‌های تحلیل گفتمان	اثباتات پیوستگی آیات و محور سوره در فی ظلال القرآن	اثباتات پیوستگی آیات در المیزان
۱	دلالت ضمنی	✓	-
۲	ربط علی	✓	✓
۳	ربط تخصیصی	✓	-
۴	ارجاع	✓	-
۵	تأکید	-	✓
۶	ربط افزایشی	✓	✓
۷	ربط شرطی	-	✓
۸	ربط نقیضی	✓	✓
۹	ربط توضیحی	✓	✓
۱۰	تکرار	✓	✓

جدول ۲- تطبیق کاربست مؤلفه‌های تحلیل گفتمان در اثباتات پیوستگی سوره در

آرای تفسیری سید قطب و علامه طباطبائی در تفسیر سوره احزاب

## کتابشناسی

۱. قرآن کریم؛
  ۲. الاوی، سلوی محمد؛ روابط متئی قرآن؛ ربط پیوستگی و ساختار؛ مترجم: سید اکبر جلیلی؛ نشر نویسه پارسی، تهران، ۱۳۹۵.
  ۳. آفاگل زاده، فردوس؛ فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی؛ نشر علمی، تهران، ۱۳۹۲.
  ۴. البرزی، پرویز؛ مبانی زیان‌شناسی متن؛ چاپ دوم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۹۲.
  ۵. ایازی، محمدعلی؛ کاوشی در تاریخ جمع قرآن؛ انتشارات مبین، رشت، ۱۳۸۷.
  ۶. توکلی، نرجس؛ بیویازاده، اعظم؛ «واکاوی کارکرد تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی متن قرآن کریم با تأکید بر رهیافت نیل راینسون»؛ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال اول، شماره چهارم، ۱۳۹۶.
  ۷. حجازی، محمد محمود؛ الوحدة الموضوعية في القرآن الكريم؛ دارالكتب الحديث، قاهره، ۱۹۷۰م.
  ۸. سید قطب؛ فی ظلال القرآن؛ به ترجمه: مصطفی خرمدل؛ چاپ دوم، احسان، تهران، ۱۳۸۷.
  ۹. شحاته، عبدالله محمود؛ اهداف کل سوره و مقاصدھا في القرآن الكريم؛ الهيئة المصرية العامة للكتب، مصر، ۱۹۷۶م.
  ۱۰. شکرانی، رضا؛ «بررسی روش گفتمان‌کاوی و چگونگی کاربست آن در مطالعات قرآنی»؛ عیار پژوهش در علوم انسانی، سال سوم، شماره اول، ۱۳۹۰.
  ۱۱. شعیری، حمید رضا؛ «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه - معناشناسی»؛ مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲۱۹، ۱۳۸۶.
  ۱۲. طباطبائی، محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ به ترجمه: محمدباقر موسوی؛ چاپ پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.
  ۱۳. کوبیلی، پاول؛ نظریه‌های ارتباط؛ مترجم: احسان شاقامسی؛ پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.
  ۱۴. مقابلی، ام البنین؛ «بررسی تناسب آیات در تفسیر المیزان از دیدگاه علامه طباطبائی با تکیه بر سوره احزاب»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، احمد جمالی زاده، الهیات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۳.
  ۱۵. وفایی، ترانه؛ شعیری، حمیدرضا؛ راهی به نشانه - معناشناسی سیال با بررسی موردي ققنوس نیما؛ انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸.
  ۱۶. یارمحمدی، لطف‌الله؛ گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی؛ هرمس، تهران، ۱۳۸۳.
17. Titscher, Meyer, wodak, & Vatter; Methods of Text and Discourse Analysis. London: Sage. 2000.